

تأثیر گفتمان فرهنگی سیاسی غالب بر شبکه نشر ادبیات داستانی: مورد پژوهی نتایج تأثیر گفتمان اصلاحات بر شبکه نشر رمان

نسرین اشرفی (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
محمد رضا هاشمی* (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
حسین اکبری (گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
علی خزاعی فرید (گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

نشر، از بنیادهای اصلی تمدن جدید،
فعالیتی اجتماعی، فرهنگ آفرین و تمدن ساز
و تأثیرگذار بر تغییر و تحول مسیر رویدادها،
یا ایجاد مسیرهای تازه‌ای در روند آنهاست.
نشر در عین حال که تأثیر می‌گذارد، از
فرهنگ و تمدن هم تأثیر مستقیم می‌پذیرد.
(آذرنگ، ۱۳۹۵)

چکیده

حوزه نشر رمان همواره با تغییرات ناشی از تحولات اجتماعی همراه بوده است. مقاله حاضر در پی تحلیل تغییرات بازار نشر رمان بر مبنای تغییرات در ساختارهای سیاسی و اجتماعی اواسط دهه ۱۳۷۰ است. بازه زمانی مدنظر سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ شمسی، همزمان با روی کار آمدن دولت اصلاحات است. با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای این پژوهش، از دو چارچوب نظری «نظام‌های چندگانه» ایون-زهر و «ساختمندی» گیدنز استفاده شده است. برای بررسی تغییرات حوزه نشر رمان در دو بعد تألیف و ترجمه از تحلیل شبکه استفاده شده است. همچنین برای درک عوامل ساختاری و عاملیتی مؤثر بر تغییرات نشر رمان در این دوره با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ناشران، سعی شده است

* نویسنده مسئول hashemi@um.ac.ir

تغییرات این دوره بررسی شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ساختار نشر رمان در این دو سال، دچار تغییرات کمی و کیفی زیادی شده است که در این میان تأثیر ساختاری سیاسی و به تبع آن وضعیت در حوزه اجتماعی باعث تقویت یا محدودسازی قدرت کنشگری ناشران و مؤلفان/مترجمان شده است.

کلیدواژه‌ها: شبکه نشر، رمان، تحلیل شبکه، اصلاحات، کنشگران

۱. مقدمه

امروزه باور عمومی تقریباً به این نکته اذعان دارد که نظام‌های گوناگون جامعه (اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره) بر همدیگر تأثیر متقابل دارند؛ این همان رابطه دیالکتیک میان نظام‌ها و زیر نظام‌هاست که از بسیاری جهات بایستی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. زمانی که ایون-زهر^۱ در دهه ۱۹۹۰ نظریه نظام‌های چندگانه را مطرح کرد توجه پژوهشگران مطالعات ادبی به نکته‌ای جلب شد که تا آن زمان مغفول مانده بود: رویکرد کلان به مطالعات ادبی و توجه به مفاهیمی چون نظام ادبی و خرده‌نظام. یکی از نتایج کلان این رویکرد، تأکید بر ماهیت میان‌رشته‌ای مطالعات ادبی و ترجمه بود. پژوهشگران و صاحب‌نظرانی چون توری این رویکرد را نقطه عطفی در مطالعات ترجمه دانستند و آن را یکی از مصداق‌های چرخش پارادایم و شکل‌گیری پارادایم «رویکرد توصیفی» در مطالعات ترجمه معرفی کردند.

یکی از عمده‌ترین نقدهای وارد بر نظریه ایون-زهر، عدم توجه به بافت اجتماعی است. هرچند وام‌گیری او از این رشته (در انتخاب واژگانی چون نظام و خرده‌نظام) تا حدی نشان از درک اجتماعی وی دارد اما برخی صاحب‌نظران جامعه‌شناسی ترجمه نظریه نظام‌های چندگانه را به علت نپرداختن به عوامل دخیل در نظام ادبی (مانند کنشگران و نهادها) شدیداً به چالش کشیده‌اند؛ چگونه ممکن است الگویی درباره کالای فرهنگی ارائه داد اما نقش تعیین کننده قدرت و دیگر عوامل اجتماعی مانند نحوه تعاملات کنشگران بازار نشر را در آن نادیده انگاشت (گنتزler^۲،

1. Even-Zohar

2. Gentzler

۲۰۰۳؛ وُلف^۱ (۲۰۰۷)؟ به‌طور کلی رویکرد ایون-زُهر، کارکردی ساختاری است (کاوده^۲، ۲۰۰۳) و بنابراین تلفیق آن با دیدگاهی که به کنش عاملان پردازد، ضروری است. در این راستا و نظر به اهمیت عوامل اجتماعی در تعاملات بازار نشر، در این مقاله سعی خواهیم کرد با نگاهی شبکه‌ای، حوزه نشر رمان در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ را در ارتباط با نظام سیاسی و اجتماعی بررسی کنیم. منظور از نگاه شبکه‌ای، اتخاذ روش «تحلیل شبکه‌های اجتماعی» است که در آن ارتباط بین کنشگران شبکه بررسی می‌شود. مدت‌هاست که نگاه علمی و آکادمیک به حوزه نشر دغدغه کارشناسان انگشت شمار این حوزه است؛ و لذا در این مقاله بر آنیم تا با ارائه این روش، آغازگر رویکردی علمی و روش‌شناختی به نشر باشیم. نکته مهم در این تحقیق بررسی شبکه‌های ترجمه و تألیف به‌طور جداگانه است تا بتوان تغییرات نشر را موثکافانه‌تر بررسی کرد و نگاهی تازه به سیاست‌گذاری صحیح بازار نشر کشور داشت.

۲. پیشینه و چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر به دو بخش تقسیم می‌شود: نظریه نظام‌های چندگانه^۳ ایون-زُهر (۱۹۹۰) و نظریه ساختمندی^۴ گیدنز^۵ (۱۹۸۴). در ادامه، به‌طور اجمالی به بحث درباره مهم‌ترین جنبه‌های این نظریات خواهیم پرداخت.

۲.۱. نظریه نظام‌های چندگانه

با ظهور رویکردهای توصیفی و راهیابی مطالعات فرهنگی به حوزه مطالعات ترجمه، توجه به روابط پویا و متقابل در فرایند ترجمه و نقش ترجمه ادبی در شکل‌دهی به هویت ملی افراد جامعه بیش از گذشته مورد توجه محققان قرار گرفت

-
1. Wolf
 2. Codde
 3. polysystem theory
 4. structuration theory
 5. Giddens

(آلیس^۱ و براون^۲، ۲۰۰۱؛ ایون-زهر، ۲۰۰۰؛ کرونین^۳، ۲۰۰۶). نخستین بار، ایتمار ایون-زهر (۲۰۰۰/۱۹۷۸) نگاه سیستمی و نظام‌مند به فرایند ترجمه را در قالب نظریه نظام‌های چندگانه، در مطالعات ترجمه مطرح کرد. این نظریه از آن پس به‌مثابه الگویی برای تحقیق در نظام‌های ادبی جوامع گوناگون به‌کار گرفته شد.

جوهره پژوهش ایون-زهر تلاش برای فهم پویایی است که از رابطه متقابل و پیچیده نظام‌های گوناگون به‌وجود می‌آید (برکت، ۱۳۸۵). زمانی که ادبیات در بافت وسیع اجتماعی فرهنگی قرار گیرد، دیگر محدود به متون نمی‌شود بلکه معنایی وسیع‌تر می‌یابد و مجموعه عوامل حاکم بر تولید یا اشاعه و دریافت این متون را در بر می‌گیرد (ایون-زهر، ۱۹۹۰، ص. ۱۵).

ایون-زهر (۱۹۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل و وابستگی‌های فرهنگی: نگاهی دوباره به کنکاش فرهنگی نظریه نظام‌های چندگانه»، با ارائه طرحی کلان‌نگر، عوامل دخیل در نظام ادبی و ارتباط متقابل آن‌ها را بررسی کرده است. نمودار ۱ ساختار نظریه او به‌مثابه قالب تحقیق در حوزه ادبیات و مطالعات فرهنگی را نشان می‌دهد.



شکل ۱. ساختار نظریه نظام‌های چندگانه (ایون-زهر، ۱۹۹۷)

1. Ellis
2. Brown
3. Cronin

در ساختار فوق عواملی چون سیاست، ایدئولوژی، اقتصاد و زبان نه به‌مثابه عواملی جداگانه بلکه به‌عنوان جزئی از نظریه فرهنگی نظام‌های چندگانه در نظر گرفته شده است. برای مثال، نهاد قدرت^۱ با استفاده از تشویق یا توبیخ تولیدکننده و دیگر عوامل اجرایی، بر هنجارها و کلیت فرایند در بازه پیشاتولید، حین تولید و پساتولید نظارت و کنترل دارد و با سیاست‌گذاری کلی میزان ماندگاری یک اثر را تعیین می‌کند. این نهاد متشکل از منتقدان، مراکز نشر، مجلات و نشریات، گروه‌های نویسندگان، مسئولان دولتی، نهادهای آموزشی و نیز رسانه‌های جمعی است. به عقیده نظریه‌پردازان مطالعات نظام‌مند، نهاد قدرت سازمانی یکپارچه و متحد نیست بلکه با چالش‌ها و تعارض‌های بیناگره‌ای و بینافردي مواجه است و همین چالش‌ها موجب پویایی نظام ادبی می‌شود.

عامل سرمایه ادبی^۲ در نظام ادبی جامعه، به قوانین و متونی اشاره دارد که از تولید تا مصرف بر روند کلی تأثیر گذاشته و آن را کنترل می‌کند. از دید زبان‌شناسی سنتی، سرمایه زبانی تلفیقی است از قواعد نحوی^۳ و واژگانی^۴ زبان. سرمایه ادبی مجموعه‌ای از قوانین، قواعد و دانش مشترکی است که براساس آن یک اثر ادبی، انتخاب و تولید می‌شود. سرمایه ادبی موجود نظام ادبی تعیین‌کننده ارزش اثر نیز هست. سرمایه ادبی در سه سطح شکل می‌گیرد: ۱. سطح بازار (مجموعه‌ای از عوامل دخیل در عرضه و تقاضای محصولات ادبی)؛ ۲. افزایش تقاضای بازار برای ژانری خاص؛ و ۳. محصول (کالا) که برآیند رفتار جمعی عوامل است.

در حالی که نظریه نظام‌های چندگانه توجه خاصی به حوزه‌های زبان و تولید ادبی دارد و جایگاه نظام‌های ادبی را با جایگاه فرهنگی مبدأ و مقصد مرتبط می‌داند. در عین حال، این نقد به نظریه ایون-زهر وارد است که جامعه پیرامونی و اثرات ناشی از آن را نادیده گرفته است. گوانوویچ^۵ (۱۹۹۷) بر این باور است که ایون-زهر تا حد

1. institution
2. repertoire
3. grammar
4. lexicon
5. Gouanvic

زیادی فردیت افراد دخیل را مورد اغماض قرار داده است. این موضوع در جامعه‌ای مانند ایران که نویسندگان، ناشران و مترجمان بیش از آنکه تابع سیستم باشند در تلاش برای اثبات و نشان دادن فردیت خود هستند، امری است بسیار مهم و تأمل‌برانگیز. خزاعی‌فر و اشرفی (۱۳۹۱) در پژوهشی به تأثیرپذیری نظام ادبی از دیگر زیرنظام‌ها به‌ویژه نظام سیاسی پرداخته‌اند. پژوهش آن‌ها محدود به ده ناشر ادبی و در چارچوب نظریه نظام‌های چندگانه انجام شد. نتایج آن پژوهش یکی از نخستین انگیزه‌های پژوهش حاضر است. در این تحقیق علاوه بر استفاده از پتانسیل نظریه نظام‌های چندگانه، از نظریه ساختمندی گیدنز برای رفع کاستی‌های نظریه ایون-زهر کمک گرفته‌ایم.

۲.۲. نظریه ساختمندی

رابطه بین عاملیت و ساختار در حوزه جامعه‌شناسی یکی از مسائل اساسی در مناقشات روش‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی بوده است. نظریه ساختمندی گیدنز (۱۹۸۴) یکی از نخستین تلاش‌ها در جهت تلفیق عاملیت و ساختار است. گیدنز کارش را با تمایز قائل شدن میان نظریه‌های کلانی چون کارکردگرایی ساختاری و ساختارگرایی و نظریه‌های خردی چون نظریه کنش متقابل نمادین و پدیده‌شناسی آغاز می‌کند. نقطه‌آغاز هستی‌شناختی گیدنز، نه آگاهی، یا «ساخت اجتماعی واقعیت»، است و نه ساختار اجتماعی، بلکه دیالکتیک میان فعالیت‌ها و شرایط است که در زمان و مکان رخ می‌دهد (ریتزر، ۱۳۹۳). دو فرض گیدنز در بازسازی جامعه‌شناسی مدرن عبارت است از: ۱. همه امور اجتماعی از اعمال عاملانی آگاه سرچشمه می‌گیرد؛ ۲. «قلمرو عامل انسانی محدود شده است» (همیلتون، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۷).

برنستاین^۱ (۱۹۸۳) معتقد است جوهره اصلی نظریه گیدنز نشان دادن رابطه متقابل و دوسویه عاملیت و ساختار است. به‌زعم وی افراد سازنده جامعه‌اند اما جامعه نیز

1. Bernstein

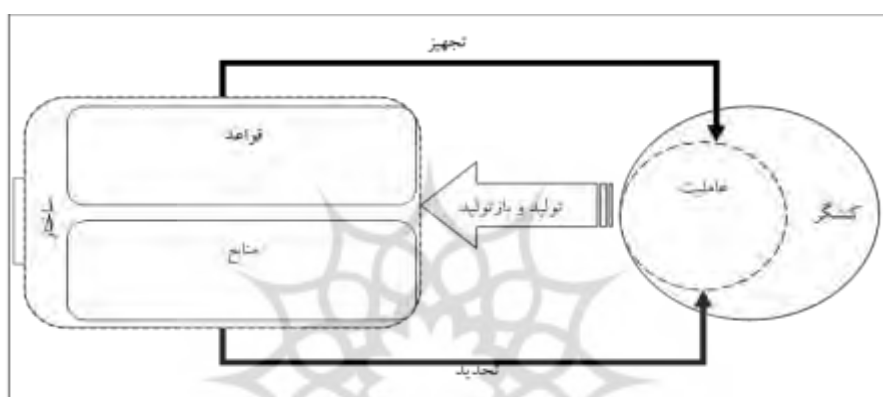
محدود و مقیدشان می‌کند. گرچه کنش و ساختار معمولاً مفاهیمی متضاد تلقی می‌شوند، در واقع دو روی یک سکه‌اند و نمی‌توان آن‌ها را جدا از یکدیگر تحلیل کرد (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸، ص. ۳۷۳).

گیدنز ساختار را برحسب قواعد و منابع تعریف می‌کند. (کرایب، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۳) او معتقد است جامعه‌شناسی فقط با در نظر گرفتن کردارهای اجتماعی به‌عنوان موضوع مطالعه می‌تواند بر دوگانگی سستی کنش و ساختار فائق آید. این دوگانگی در واقع دووجهی بودن است: یک «چیز» یا یک موضوع مورد مطالعه با دو وجه وجود دارد. بر این اساس، قلمرو اساسی پژوهش در علوم اجتماعی نه تجربه کنشگر فردی و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی، بلکه کردارهای اجتماعی سامان‌یافته در زمان و مکان است (کرایب، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۴-۱۴۵). تفاوت نظریه ساختارگرایی با نظریه ساختمانندی گیدنز این است که در ساختارگرایی، کنشگر فردی یا عوامل انسانی درون ساختار، در شکل‌گیری ساختار چندان نقشی ندارند و غالباً تحت تأثیر ناخودآگاه ساختارها، به الزامها و تکالیف ساختاری خود عمل می‌کنند. اما در نظریه ساختمانندی گیدنز، عوامل انسانی هرچند در چارچوب ساختارها و تا اندازه‌ای تحت الزام قواعد ساختاری عمل می‌کنند، اما در تغییر، تکمیل و حتی ساخت ساختارهای نو می‌توانند نقش داشته باشند.

ساختمندی به‌معنای تغییر در کردارها و همچنین نظم‌ها و استمرار در آن‌هاست. رویکرد گیدنز شبیه به جان دیویی، پراگماتیست آمریکایی است. دیویی استدلال می‌کند که جامعه با رویه‌ها، روالها و عادات پایدار مشخص می‌شود، اما در میان آن‌ها همیشه موارد استثنا و تغییرات ناگهانی هم دیده می‌شود، درست همان‌طور که تغییرات فردی و اجتماعی وجود دارد. اگر اختلالی در آنچه مسلم پنداشته شده، یا به‌دلیل تغییرات در شرایط خارجی یا اندیشه و تفکر در بخشی از بازیگر وجود دارد، پس امکان تغییرات در این گونه اقدامات وجود دارد. این تغییرات می‌تواند به

تغییرات اجتماعی مرتبط باشد، در حالی که این موارد در مقیاس وسیع تر و بزرگ تر با بیش از یک بازیگر مرتبطند. (کوهن^۱، ۲۰۰۰، ص. ۸۳-۸۵).

این انسان‌ها هستند که در طی زمان ساختارها را خلق و متحول می‌کنند؛ ولی فعالیت‌ها و ابتکارات خلاقانه آن‌ها تابع محدودیت‌های اجتماعی است. نمودار ۲ مدل ارتباط میان عاملیت و ساختار را از منظر گیدنز نشان می‌دهد.



شکل ۲. رابطه بین عاملیت و ساختار در نظریه ساختمندی گیدنز

به‌طور خلاصه، نظریه ساختمندی گیدنز این پرسش را بررسی می‌کند که آیا واقعیت اجتماعی را افراد شکل می‌دهند یا نیروهای اجتماعی. او از اتخاذ موضع افراطی پرهیز می‌کند و بر این باور است که اگرچه مردم در انتخاب اعمالشان کاملاً آزاد نیستند و دانش آن‌ها محدود است، در عین حال عاملانی هستند که ساختار اجتماعی را بازتولید می‌کنند و تغییرات اجتماعی را به‌وجود می‌آورند (گیدنز و ساتون، ۲۰۱۷).

در اینجا به شباهت‌هایی در نظریه ساختمندی و نظام‌های چندگانه بر می‌خوریم. موضوعی که ایون-زهر با نام نهاد قدرت از آن یاد می‌کند تقریباً همان «ساختار» در نظریه گیدنز است. اما موردی که از دید ایون-زهر مفعول مانده بحث عاملیت است

1. Cohen

که گیدنز به خوبی آن را بسط داده است. بنابراین با توجه به شرایط بازار نشر در ایران که ناشران، مترجمان و نویسندگان هویتی مستقل و با انگیزه‌های قوی فردی در آن مشغول به کارند، نمی‌توان «عاملیت» را نادیده گرفت. در حقیقت نشر رمان «برآیند» رابطه میان ساختارهای اجتماعی و عملکرد عاملان اجتماعی است. نوع و ماهیت ساختارهای موجود بر تقویت یا محدودیت عملکرد کنشگران حوزه نشر رمان تأثیر می‌گذارد. هم‌زمان، کنشگران مختلف برای تحقق اهداف خود در این حوزه سعی می‌کنند شرایط را تغییر دهند و با توجه به ساختار جامعه، خروجی نشر رمان را تعیین می‌کنند.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش از روش‌های کمی و کیفی استفاده شده است. در وهله اول، داده‌های مربوط به نشر جمع‌آوری شد (شرح این مرحله در قسمت بعد خواهد آمد). سپس با ناشران مرکزی که از حیث تعدد نشر آثار متمایز بودند، مصاحبه شد تا بتوان از برآیند دیدگاه‌ها و اسناد، به نتایج بهتری دست پیدا کرد.

۳.۱. بازه زمانی مورد مطالعه

بازه زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ است. انتخاب این سال‌ها از چند جهت حائز اهمیت است. نخست اینکه چون هدف این پژوهش تحلیل و بررسی تأثیرپذیری نظام ادبی از گفتمان سیاسی اصلاحات است، سال ۱۳۷۶ اولین سال شروع این گفتمان سیاسی در سپهر نظام سیاسی کشور است. اهمیت دیگر این بازه زمانی به شرایط فرهنگی اجتماعی کشور در دهه هفتاد شمسی باز می‌گردد. در این دوران کشور پس از پشت سر گذاشتن تحولات سیاسی اجتماعی گسترده تا حدودی به ثبات رسید. ناگفته پیداست تغییر و تحولات این دوره محدود به تغییرات فرهنگی و نظام ادبی نبوده، اما اهمیت ادبیات در بلوغ فرهنگی یک ملت موضوعی مهم و درخور مطالعه و تحقیق است. در ادامه به اهمیت پژوهش در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات نیز خواهیم پرداخت.

۲.۳. گردآوری داده‌ها

فرایند گردآوری داده‌ها به دو بخش عمده تقسیم می‌شود. بخش اول شامل جمع‌آوری داده‌های اسنادی مربوط به آمار نشر رمان‌های تألیفی و ترجمه‌شده در بازه زمانی مورد مطالعه می‌شود و بخش دوم مصاحبه با ناشران مرکزی در حوزه نشر ادبی را در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه آمار همیشه یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل و معضلات پژوهشی کشور است این تحقیق نیز از این نظر مستثنا نبوده است؛ در عین حال، محققان تمام تلاش خود را برای رسیدن به آماری دقیق به‌کار گرفته‌اند.

بانک اطلاعاتی کتابخانه ملی منبع اصلی گردآوری داده‌های آماری این تحقیق است. البته خانه کتاب نیز در حال حاضر از مراجع ذیصلاح برای دستیابی به آمار دقیق نشر کتاب در کشور به‌شمار می‌رود. با توجه به اینکه این مؤسسه در سال ۱۳۷۵ پایه‌گذاری شده و به گفته مسئولان امر، بانک‌های اطلاعاتی این مؤسسه فاقد آمار جامع مربوط به پیش از سال ۱۳۸۰ است، از این مرکز به‌عنوان منبع مکمل در این تحقیق استفاده شده است. شایان ذکر است که آماری که بانک‌های اطلاعاتی در اختیار محققان گذاشتند مربوط به کل ادبیات داستانی بود و جداسازی عناوین مربوط به رمان و داستان بلند که خود فرایندی بسیار طولانی بود، بر عهده محققان بود.

مرحله دوم گردآوری داده‌ها مربوط به مصاحبه با ناشران مرکزی در حوزه نشر رمان در کشور بوده است. نکته مهم در اینجا ملاک و معیار «مرکزیت» ناشران است که به‌نوعی به یافته‌های داده‌های مرحله اول باز می‌گردد: ناشرانی که بیشترین آثار چاپ شده در این حوزه را داشته‌اند و نیز با نویسندگان یا مترجمان بیشتری کار کرده‌اند، ناشران «مرکزی» قلمداد شده‌اند. با نگاهی شبکه‌ای، ناشران مرکزی ناشرانی هستند که شبکه‌های بزرگ‌تر و قوی‌تر ایجاد کرده‌اند. در این مرحله با مصاحبه با مدیران ناشران مرکزی نظر آنان درباره تأثیر تغییرات ساختار سیاسی و اجتماعی در این دوره بر حوزه نشر رمان، به‌دست آمد.

۳.۳. تحلیل داده‌ها

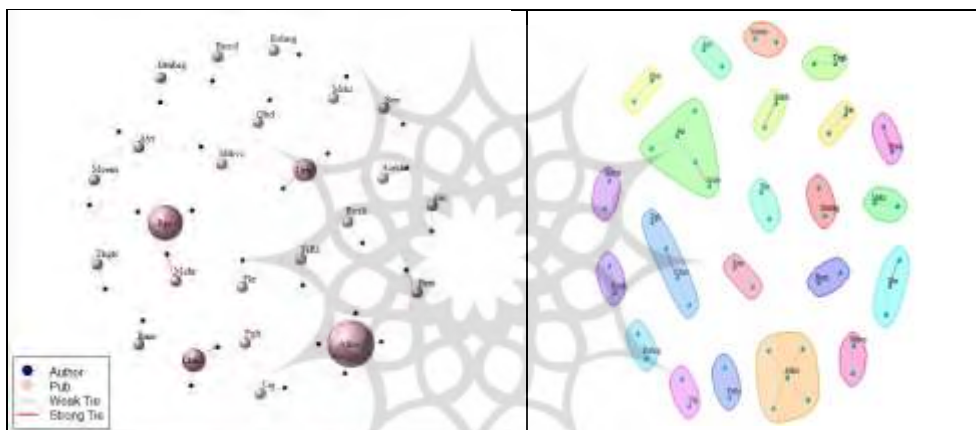
با توجه به نوع داده‌های گردآوری شده، دو روش تحلیلی مورد استفاده قرار گرفت. داده‌های مربوط به رمان‌های چاپ شده به صورت چهار ماتریس همجواری (صفر و یک) مربوط به دو سال متوالی (۱۳۷۶ و ۱۳۷۷) و نیز دو حوزه تألیف و ترجمه در آمد (شکل ۱) و سپس ماتریس مزبور برای تحلیل شبکه به نرم‌افزار آر (R) داده شد.

شکل ۳. ماتریس مجاورت رمان‌های تألیفی سال ۱۳۷۷

برای تحلیل شبکه نشر رمان از نرم‌افزار آر استفاده شد که یک محیط برنامه‌نویسی آماری متن باز است. زبان این نرم‌افزار زبان برنامه‌نویسی و محیط نرم‌افزاری برای محاسبات آماری و تحلیل داده است و یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحلیل و مصورسازی شبکه‌های اجتماعی در حوزه آکادمیک به‌شمار می‌آید. بسته‌های *igraph*، *egonet*، *sna*، *statnet* از جمله بسته‌های کاربردی در این نرم‌افزار برای تحلیل شبکه است. در این تحقیق از بسته *igraph* استفاده شد. برای تحلیل مصاحبه‌ها نیز از کدگذاری باز و محوری مطابق با اقتضائات روشی این تکنیک استفاده شد.

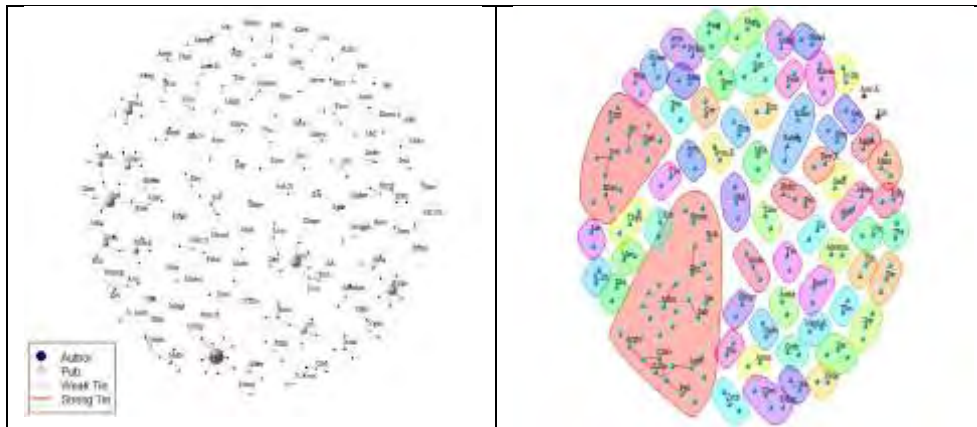
۴. نتایج

همان‌گونه که در قسمت قبل توضیح داده شد آمار نویسندگان و مترجمان به همراه ناشر/ناشرانی که با آنان کار کرده‌اند به تفکیک سال و نوع اثر (ترجمه یا تألیف) در قالب ماتریس به نرم‌افزار آر داده شد و مرکزیت درجه‌ای هر ناشر (با هدف یافتن ناشران مرکزی) مشخص گردید. در این قسمت ابتدا خروجی‌های رمان‌های تألیفی را مرور می‌کنیم. شکل ۴ مربوط به شبکه نشر رمان در سال ۱۳۷۶ است.



شکل ۴. شبکه نشر رمان تألیفی در سال ۱۳۷۶

همان‌گونه که در شکل ۴ به‌خوبی مشاهده می‌کنیم ارتباط خاصی بین ناشران مختلف برقرار نشده است (جز مواردی جزئی). سه ناشر مرکزی که دارای بیشترین آثار چاپ شده بوده‌اند عبارت‌اند از البرز، پر و درسا. البته نشر چکاوک هم در رتبه چهارم قرار می‌گیرد اما ناشران دیگر از حیث تعداد کار در حاشیه قرار دارند. خطوط قرمز نشان‌دهنده پیوند قوی بین ناشر و نویسنده است بدین معنا که نویسنده در این سال بیش از ۲ کار با آن ناشر داشته است. شکل ۵ وضعیت همین شبکه را در سال ۱۳۷۷ نشان می‌دهد.



شکل ۵. شبکه نشر رمان تألیفی در سال ۱۳۷۷

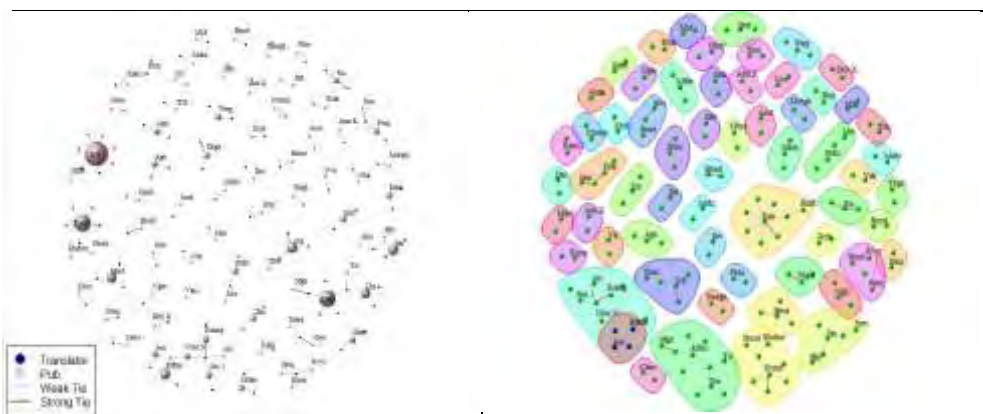
این شکل خروجی مربوط به سال ۱۳۷۷ است. همان‌طور که مشخص است در داخل این شبکه و از طریق نویسندگان، چند خوشه (خُرده‌گراف) منسجم بین ناشران شکل گرفته است. ناشرانی که در شکل ۴ مرکزیت زیادی داشتند در این شکل با ناشران کوچک‌تر مرتبط شده‌اند. نشر البرز در این شکل از طرفی با نشر چکاوک، پگاه و ارغوان در ارتباط است و از سوی دیگر با نشر پیکان و برخی دیگر از ناشران. در خوشه‌ای دیگر ناشرانی مثل انتشارات علمی، جاوید، نگاه و روزگار با نویسندگان مشترکی کار کرده‌اند.

جدول ۱. شاخص‌های شبکه نشر تألیف رمان در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	شاخص
تعداد پیوندهای شبکه	۳۱	۱۳۳	
گرایش به خوشه‌بندی	۰/۹۴	۰/۹۴	
انسجام شبکه	۰/۰۵۳	۰/۲۰۱	
چگالی شبکه	۰/۰۳۴	۰/۰۱۱	
مرکزیت درجه	۰/۰۴	۰/۰۱۷	
مرکزیت بیرونی	۰/۰۳۸	۰/۰۱۷	

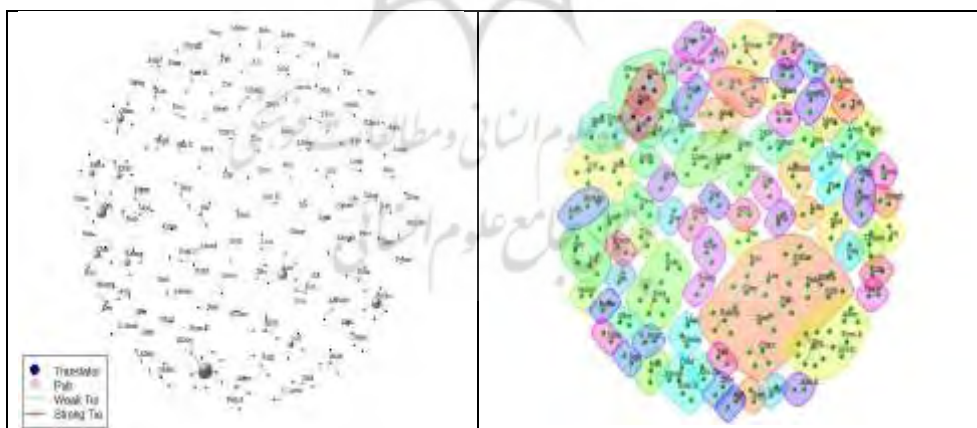
		سال
۱۳۷۷	۱۳۷۶	شاخص
۰/۰۶۲	۰/۱۱۲	مرکزیت درونی
۰/۱۶۵	۰/۳۲۸	اتصال بودن
۶/۳۸۱	۵/۸۰۷	میانگین فاصله
۰/۰۴۳	۰/۱۰۵	فشرده‌گی شبکه
۱۷	۱۷	قطر شبکه

همان‌گونه که شکل‌های مربوط به شبکه‌های نشر رمان تألیفی در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ نشان می‌دهد، تعداد پیوندهای شبکه از ۳۱ پیوند در سال ۱۳۷۶ به ۱۳۳ پیوند در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته است که نشان می‌دهد نشر رمان‌های تألیفی در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۶ رشد زیادی داشته است. به‌رغم افزایش تعداد پیوندها در سال ۱۳۷۷، تحلیل ساختار شبکه نشان می‌دهد تغییر کیفی در ماهیت پیوندهای شبکه نشر رمان تألیفی رخ نداده است. شاخص گرایش به خوشه‌بندی در هر دو سال ۰/۹۴ است که بیانگر چگالی قوی درون خوشه‌ها و چگالی ضعیف بین خوشه‌هاست؛ به‌عبارت دیگر در شبکه نشر رمان تألیفی تعداد پیوندهای درون خوشه‌ای بیشتر و تعداد پیوندهای بین خوشه‌ای کمتر است. البته با توجه به افزایش تعداد پیوندها در سال ۱۳۷۷ چگالی شبکه کاهش یافته است، یعنی نسبت تعداد پیوندهای موجود در شبکه به حداکثر تعداد پیوندهای ممکن در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۶ کاهش یافته است. هرچند انسجام شبکه نشر رمان تألیفی از ۰/۰۵۳ به ۰/۲۰ افزایش یافته است (یعنی خرده‌گراف‌های موجود در شبکه از طریق پیوندهای مستقیم، قوی و فراوان نسبت به سال ۱۳۷۶ بیشتر به یکدیگر متصل شده‌اند)، میزان انسجام شبکه در کل دو سال پایین است. سایر شاخص‌ها در جدول آورده شده است. در ادامه به مرور یافته‌های تحقیق درباره شبکه ترجمه رمان می‌پردازیم. شکل ۶ مربوط به شبکه ترجمه رمان در سال ۱۳۷۶ است.



شکل ۶. شبکه نشر رمان ترجمه شده در سال ۱۳۷۶

همان‌طور که در شکل ۶ می‌بینیم تعداد گره‌های شبکه ترجمه در سال ۱۳۷۶ از تعداد گره‌های شبکه تألیف در همان سال بسیار بیشتر است و این بدان معناست که اختلاف آماری بین آثار تألیفی و آثار ترجمه شده در حوزه رمان در این سال بسیار محسوس است. شکل ۷ وضعیت شبکه نشر رمان ترجمه شده را در سال ۱۳۷۷ نشان می‌دهد.



شکل ۷. شبکه نشر رمان ترجمه شده در سال ۱۳۷۷

همان‌گونه که در شکل ۷ پیداست در این سال چندین خوشه در درون شبکه شکل گرفته است. برای نمونه نشر نگاه از سویی با نشر چشمه و روشنگران ارتباط پیدا کرده و از طرفی با انتشارات مجید و فردوس. انتشارات سمیر، دبیر، لیوسا و نوین هم که تمایل به چاپ رمان‌های تاریخی دارند خوشه‌ای دیگر را در این شبکه شکل داده‌اند.

جدول ۲. شاخص‌های شبکه نشر ترجمه رمان در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷

شاخص	سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷
تعداد پیوندهای شبکه		۱۱۹	۱۸۸
گرایش به خوشه‌بندی		۰/۹۶	۰/۹۴
انسجام شبکه		۰/۰۱۷	۰/۰۱۳
چگالی شبکه		۰/۰۱۲	۰/۰۰۸
مرکزیت درجه		۰/۰۲۹	۰/۰۱۹
مرکزیت بیرونی		۰/۰۲۹	۰/۰۱۸
مرکزیت درونی		۰/۰۶	۰/۰۵۲
اتصال بودن		۰/۲۰۹	۰/۲۵۳
میانگین فاصله		۶/۰۱۶	۱۰/۸۵۶
فشرده‌گی شبکه		۰/۰۵۵	۰/۰۴۳
قطر شبکه		۱۵	۳۲

بررسی شاخص‌های مربوط به شبکه نشر رمان ترجمه‌شده نشان می‌دهد تعداد پیوندهای شبکه از ۱۱۹ پیوند در سال ۱۳۷۶ به ۱۸۸ پیوند در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته است. با افزایش تعداد پیوندهای شبکه در سال ۱۳۷۷ گرایش به خوشه‌بندی در شبکه نیز تا اندازه‌ای کاهش یافته است که محسوس نیست. همچنین شاخص‌های دیگر نشان می‌دهد که گرایش به ایجاد خوشه‌های نشر بین مترجمان و ناشران بالاست و میزان انسجام و نیز چگالی شبکه در هر دو سال پایین است اما در سال ۱۳۷۷ کاهش نیز یافته است.

اگرچه تعداد روابط و پیوندهای ایجادشده در دو شبکه نشر رمان‌های تألیفی و ترجمه‌ای در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۶ افزایش یافته، ماهیت شبکه‌ها تغییر خاصی پیدا نکرده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر تغییرات سیاسی بیشتر از حیث ایجاد فضا برای نشر کتاب‌های رمان تألیفی و ترجمه‌شده بوده که قبلاً اجازه یا فضای لازم برای انتشار نداشته است و این تغییر سیاسی نتوانسته در ماهیت و کیفیت روابط بین کنشگران این حوزه یعنی ناشران و مؤلفان/ مترجمان تغییر چندانی ایجاد نماید.

همان‌گونه که در بخش قبل گفته شد در این تحقیق پس از گردآوری داده‌های آماری، با انجام مصاحبه با چند ناشر حرفه‌ای و با سابقه در حوزه ادبیات داستانی نظرات آنان را جویا شویم. تمامی ناشران بر روی چند نکته اصلی اتفاق نظر داشتند که به تفکیک در بخش بعد به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۵. بحث

پس از مرور گراف‌های خروجی شبکه نشر و توصیف ساختاری شکل‌ها و نیز مرور مهم‌ترین موارد یادشده در مصاحبه‌ها، در این بخش ارتباط میان شبکه نشر و بستر فرهنگی اجتماعی نشر را در بازه تحقیق بررسی می‌کنیم. بازار نشر کتاب در دهه هفتاد و با گذشت بیش از یک دهه فراز و فرود ناشی از نوپا بودن انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و مشکلات اقتصادی، وارد فضای مناسب‌تری شد (اشرفی، ۱۳۹۸). در واقع، در این زمان بود که زیرساخت‌های مورد نیاز نشر کتاب و رسیدن به استانداردهای نشر، فراهم شد. در حوزه ادبیات داستانی نیز، بی‌شک دگرگونی‌های گسترده‌ای که جامعه ایران بعد از پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی با آن روبه‌رو شد، منبع خوبی برای پرداختن به آن و نگاه به داستان به‌طور جدی و حرفه‌ای بوده است. البته این دهه شامل دو دوره می‌شود: یکی دوره محدودیت‌ها و موانع نشر ادبیات داستانی و دیگری دوره گشایش و رهایی از انزوا.

بازه زمانی مورد مطالعه در این تحقیق را می‌توان نقطه گذار در گفتمان سیاسی بعد از انقلاب در ایران، یعنی گذر از گفتمان سازندگی به گفتمان اصلاحات، به‌شمار

آورد. بی‌توجهی نسبت به فرهنگ و مسائل فرهنگی مانند نشر و ادبیات یکی از نقاط ضعف دولت سازندگی است. البته شاید این ضعف با در نظر گرفتن شرایط حاد سیاسی و اقتصادی آن دوران کمی قابل توجیه بوده باشد اما تأثیر سوء خود را بر جا گذاشت. عدم توجه به بسترسازی فرهنگی پس از انقلاب و جنگ باعث شد اکثریت جامعه دانشگاهیان و طبقه روشنفکر در راستای مطالبات فرهنگی خود، در زمان انتخابات ریاست جمهوری بعدی، فردی را به ریاست دولت انتخاب کنند که صبغه و پیشینه فرهنگی داشته باشد. پیشینه فرهنگی بالاترین مرجع اجرایی کشور به سرعت بر بازار نشر تأثیر گذاشت، به طوری که افزایش تعداد رمان (به خصوص رمان‌های تألیفی) را می‌توان به «انفجار بازار نشر» تعبیر نمود. همان‌طور که در قسمت قبل و خروجی‌های گرافیکی شبکه نشر شاهد بودیم، تفاوت بین آمار نشر و نیز ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین ناشران در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ به‌طور چشمگیری متفاوت است. این میزان اختلاف برای تنها یک سال جای بررسی و تحقیق دارد. در این سال با روی کار آمدن دولتی جدید فضای فرهنگی کشور به میزان قابل توجهی تغییر کرد. باز شدن فضای مطبوعاتی، روی آوردن جوانان به مجلات ادبی فرهنگی، گسترش نقدهای ادبی، تکثرگرایی و ترویج چندصدایی در حوزه ادبیات از جمله نتایج رویکرد فرهنگی جدید بود. گفتمان اصلاحات بیش از آنکه گفتمانی سیاسی باشد گفتمانی فرهنگی بود تا آنجا که «بحث گفتگوی تمدن‌ها» شکل گرفت. تأکید بر «گفتگو» یعنی برابری، آزادی، سعه صدر و البته احترام. برای شکوفایی و رسیدن به رونق نسبی بایستی تمامی این مفاهیم در حوزه نشر اعمال شود. باید کنش‌کنندگان محصول آگاهی و نیات هدفمند باشد و نه صرفاً واکنشی نسبت به شرایط فرهنگی موجود. در ادامه این بخش مروری اجمالی بر تغییر و تحولات شبکه نشر پیش و پس از روی کار آمدن گفتمان اصلاحات خواهیم داشت.

۵. ۱. شبکه نشر پیش از استقرار دولت اصلاحات

در بازه زمانی ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶، وزارت ارشاد نظارت سخت‌گیرانه و شدیدی بر چاپ و نشر کتاب داشت. سخت‌گیری‌ها به اندازه‌ای بود که یکی از ناشران از آن

دوره با عنوان «دوران سیاه نشر» نام برد، دورانی که نه تنها از ناشران حمایت نمی‌شد بلکه سانسور و ممیزی و توقیف کتاب کاملاً معمول بود. سخت‌گیری نسبت به ادبیات تألیفی بیش از ادبیات ترجمه‌شده اعمال می‌شد. ناشران این موضوع را به‌عنوان یکی از عوامل عدم رشد ادبیات داستانی تألیفی می‌دانستند. یکی از ناشران بر این باور بود که:

نویسنده بومی هنگامی که قلم برمی‌دارد بایستی از دغدغه‌ها و مسائل جامعه‌اش بنویسد و با خلاقیت هنرمندانه خود آن را در قالب یک داستان یا رمان پروراند اما این در حالی است که این حق از نویسنده ما سلب می‌شود چون مسائل اجتماعی فرهنگی ما به نوعی در مسائل سیاسی ریشه دارد. ناشری دیگر همین نکته را عامل خودسانسوری نویسندگان بومی دانسته و انجام همین محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر آثار تألیفی بومی را عامل عدم اقبال عامه مردم به داستان‌های تألیفی می‌داند.

در این دوران، به دلیل عدم تخصص مدیران هیچ تعاملی بین وزارت ارشاد به‌عنوان متولی بازار نشر کتاب و ناشران وجود نداشت. یکی از ناشران بزرگ که نه تنها در ادبیات داستانی بلکه در چاپ موضوعات دیگر نیز فعال است درباره تعامل وزارت ارشاد با ناشران در آن دوران چنین گفت: «زمانی که کتاب‌های ما توقیف می‌شد حتی نمی‌توانستیم برای دفاع از آن به ارشاد برویم چون کسی نبود که از ادبیات سر در بیاورد».

۲.۵. شبکه نشر پس از استقرار دولت اصلاحات

در سال ۱۳۷۷ همزمان با تغییرات نظام سیاسی، نحوه عملکرد وزارت ارشاد در مورد نظارت و ممیزی به‌طور کلی عوض شد. مسئولان ارشاد در این دوره از کسانی بودند که خود در حوزه کتاب و نشر دستی بر آتش داشتند و در نتیجه سیاست‌گذاری‌هایشان بیشتر سمت و سوی فرهنگی داشت تا سیاسی. نظارت و ممیزی، چه در انتخاب موضوع و چه در محتوای اثر (ترجمه‌شده و تألیفی)، آزاد بود. ناشران، نویسندگان، مترجمان و پژوهشگران ادبی همگی بر روی این موضوع اتفاق نظر دارند

که دوران اصلاحات در حوزه نشر به نوعی دوران شکوفایی بود. یکی از ناشران درباره این دوره چنین گفت: «پس از سخت‌گیری‌های شدید به یکباره بند اسارت ما را باز کردند. بعضی وقت‌ها خودمان هم باورمان نمی‌شد که هرچه می‌خواستیم می‌توانستیم چاپ کنیم.»

سیاست‌های حمایتی نیز به گونه‌ای شد که بسیاری از مردم به نشر روی آوردند و در جرگه ناشران درآمدند. یکی از مسئولان اداره کل کتاب وزارت ارشاد به نکته جالبی اشاره کرد:

اینکه وزارت ارشاد به همه مردم اعلام کرد بیایند و جواز نشر بگیرند، شاید در وهله اول از دید تخصصی سیاست درستی نبود برای مثال برخی از سهمیه کاغذ استفاده می‌کردند و از این راه کسب سرمایه می‌کردند بدون آنکه دغدغه فرهنگ و نشر داشته باشند اما این موارد دلیل کافی برای چشم پوشی از برکات این کار نیست. در آن دوره خاطر هست خانم‌های خانه داری می‌آمدند و می‌خواستند کتاب زندگی خودشان را چاپ کنند. همین امر بسیار ارزشمند است یعنی آشتی مردم عامه با کتاب و کتابخوانی. مادری که خودش کتاب بنویسد برای کتاب و نویسنده ارزش قائل است و این فرهنگ سازی را در خانواده‌اش انجام می‌دهد.

یکی دیگر از مواردی که می‌تواند در قلمرو سیاست‌های حمایتی جای بگیرد بحث جوایز ادبی است. در دوران اصلاحات برای نخستین بار اثری داستانی برای جایزه کتاب سال که جایزه‌ای دولتی بود، انتخاب شد و این یعنی بها دادن به موضوع ادبیات داستانی که تا پیش از آن مغفول مانده بود. البته جوایز ادبی خصوصی بسیاری در این دوران شکل گرفتند و علی‌رغم اثرگذاری و جریان‌سازی متأسفانه در دولت‌های بعدی به دلایل عمدتاً مالی، یکی پس از دیگری تعطیل شدند.

اما در این جا از منظر نظام‌های چندگانه به نقشی متفاوت از نهاد قدرت^۱ بر می‌خوریم. از نگاه ایون-زهر، نهاد قدرت با تشویق یا توبیخ تولیدکننده و دیگر

عوامل اجرایی، بر هنجارها و کلیت فرایند پیشاتولید، حین تولید و پساتولید نظارت و کنترل دارد و با اتخاذ سیاست‌های کلی میزان ماندگاری یک اثر را تعیین می‌کند. این نهاد متشکل از منتقدان، مراکز نشر، مجلات و نشریات، گروه‌های نویسندگان، مسئولان دولتی، نهادهای آموزشی و نیز رسانه‌های جمعی است. البته چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متولی امر نشر در کشور است خواه‌ناخواه نظام سیاسی قدرتی نامتوازن نسبت به دیگر گروه‌ها مانند ناشران و مطبوعات دارد، به طوری که نهاد قدرت از دیدگاه ایون-زهر تقریباً همان نظام سیاسی است. بلوری (۱۳۹۶) بر این باور است که ایدئولوژی حاکم ممکن است در دو سطح بر شکل‌گیری ادبیات ترجمه‌شده در نظام چندگانه ادبی ایران تأثیر بگذارد: ۱. تأثیرگذاری غیرمستقیم از طریق ایجاد فضای مناسب برای انتخاب و انتشار برخی آثار و فضای ستیز و مقابله با آثار دیگر؛ و ۲. تأثیرگذاری مستقیم از طریق ممیزی و بررسی پیش از انتشار کتاب‌های ترجمه‌شده. در پژوهش دیگری نیز تجویدی و معاذاللهی (۱۳۹۵) با وام‌گرفتن از ادبیات بوردیو بر وابستگی کامل میدان نشر در ایران به میدان قدرت تأکید کردند.

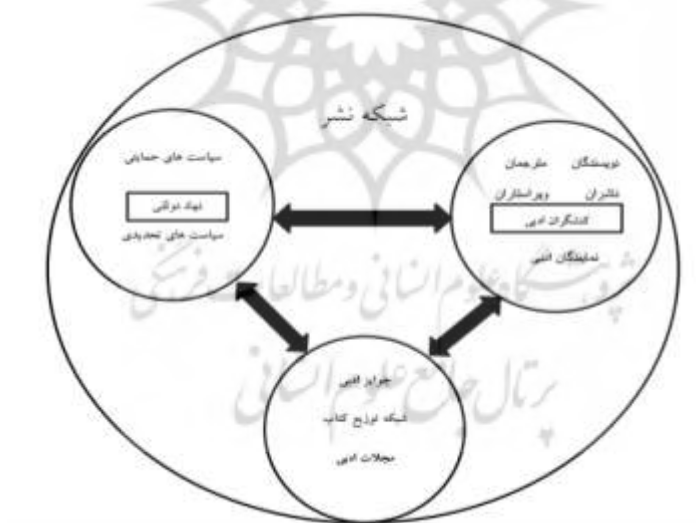
نکته قابل توجه در مطالعه حاضر این است که دولت اصلاحات از منظر سیاست‌های حمایتی تفاوت‌چندانی با دولت پیشین نداشت اما مشخصه رشد کمی و رونق ادبیات داستانی در این دوره تا حد زیادی تنها مرهون نظارت معقول‌تر و منطقی‌تر نسبت به گذشته بود که ناشی از تغییر در قواعد حاکم بر نشر است (اشرفی، ۲۰۱۸). البته نتیجه این گشایش، محدود به رشد کمی رمان و اعتدال در ممیزی نبود. برگزاری جشنواره بزرگ ادبیات داستانی و تجلیل از جریان‌های موجود و برترین‌های این حوزه، ایجاد و راه‌اندازی مجدد تشکلهایی مانند انجمن اهل قلم و کانون نویسندگان از نمونه‌های توجه به جریان داستان در کشور بود. این موارد نمونه‌هایی است از آنچه طبق نظریه گیدنز باید به جریان نشر انگیزه داد و در تقویت آن تلاش کرد.

چنانچه از منظر گیدنز به این وضعیت بنگریم به خوبی در می یابیم ناشران به عنوان یکی از تأثیرگذارترین کنشگران در بازار نشر کشور به خوبی خود را با شرایط موجود وفق می دهند. در شرایطی که رویکرد انقباضی و نظارت های سخت گیرانه بر آثار تألیفی زیاد باشد به ترجمه روی می آورند. ترجمه در اینجا تا حدی نقش «منجی» را ایفا می کند؛ «نجات» از ورطه سقوط و نابودی کلی یک ناشر و حتی نویسنده. آن گونه که یکی از مترجمان و نویسندگان در مصاحبه ای اعلام کرد «نسبت تأثیرگذاری ترجمه قابل مقایسه با تألیف نیست... وقتی که نمی شود حرف زد ترجمه روزنه امیدی باز می کند، ما نیاز به امیدواری داریم و ترجمه ابزار امیدواری است.»^۱ برخی از ناشران در مصاحبه ها عنوان کردند در برخی موارد به دلیل حساسیت های شدید حتی بر روی کارهای ترجمه شده، به چاپ مجدد آثار داستانی کلاسیک روی می آوردند. از نظر گیدنز (۱۹۸۴) بازتولید سیستم اجتماعی تنها توسط عاملان فردی و آگاه امکان پذیر است. شبکه نشر ادبی به عنوان یکی از مهم ترین عرصه های فرهنگی جامعه نمی تواند از این قانون مستثنا باشد. شبکه نشر، از منظر رویکرد گیدنز، نظامی اجتماعی است که از یک سو عاملان و کنشگرانی چون مترجم، نویسنده و ناشر در آن ایفای نقش می کنند و از سوی دیگر ساختاری است متشکل از قواعد و منابع خاص. شبکه نشر باید ماهیتی مستقل داشته باشد اما تاریخچه نشر ادبی در کشور نشان می دهد که این شبکه هیچ وقت از استقلال لازم برخوردار نبوده و عملکرد عاملان در آن به شدت تحت تأثیر تغییرات ساختاری بوده است. البته عدم استقلال حوزه نشر تنها متوجه نظام سیاسی نیست بلکه نبود سازوکارهای اقتصادی مناسب و حرفه ای نبودن عاملان نشر نیز از عوامل تأثیرگذار در عدم استقلال این حوزه محسوب می شود. شاید بتوان گفت عملکرد ناشران کشور در حوزه نشر بیش از آنکه محصول کنش آن ها باشد نتیجه واکنش آنان به شرایط محیطی و ساختاری است.

۱. خشایار دیهیمی (مصاحبه با مهرنامه، آذرماه ۱۳۸۹)

به طور کلی شبکه نشر ادبی در ایران، پدیده‌ای برساخته و برآیندی^۱ از عوامل گوناگون است که به هیچ‌یک از آن‌ها قابل تقلیل نیست. شکل ۸، با ترکیب نظریه نظام‌های چندگانه و ساختمندی، مدلی تلفیقی ارائه می‌کند که در آن شرایط ساختاری، عاملان اصلی دخیل در این حوزه و عوامل محیطی لحاظ شده‌اند.

در این مدل هم به مباحث نظری و هم به شرایط بومی کشور توجه شده است. در دنیای امروز نشر، کنشگران دیگری نیز در این حوزه فعالیت می‌کنند، اما مهم‌ترین عاملان فعال در بازار نشر ادبی کشور ناشران، مترجمان، نویسندگان، ویراستاران و کارگزاران ادبی‌اند. کارگزاران ادبی بیشتر نقش مشاوران ادبی را برای ناشران ایفا می‌کنند. در مصاحبه با ناشران مشخص شد که ناشران تازه‌کار و باتجربه، بنا بر خط‌مشی فکری و ادبی خاص خود، از این مشاوران بهره می‌برند. البته به دلیل اینکه نشر در ایران هنوز وجهه حرفه‌ای به خود نگرفته است، این مشاوران اغلب از پژوهشگران و منتقدان ادبی‌اند.



شکل ۸. مدل تلفیقی شبکه نشر ادبی در ایران

1. emergent phenomenon

با توجه به مدل فوق می‌توان درک بهتری از تأثیر گفتمان غالب بر شبکه نشر داشت. گفتمان اصلاحات، با تأکید بر رویکردهای فرهنگی، شرایط نشر ادبی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد. سیاست‌های حمایتی از ناشران مانند خرید تعداد زیاد کتاب از آن‌ها برای استفاده در کتابخانه‌های عمومی کشور، محدود کردن سیاست‌های تحدیدی مانند ممیزی و باز کردن فضای مطبوعاتی از سیاست‌های خاص دوره اصلاحات بود که به گواه ناشران و دیگر افراد دخیل در این حوزه به نوعی به شکوفایی بازار نشر منجر شد. البته بحث بر سر رشد کیفی آثار در این دوره می‌تواند موضوع مطالعه‌ای دیگر باشد اما ناگفته پیداست که جریان نشر ادبی در کشور نیازمند سیاست‌گذاری‌های بلند مدت است. نقش نهاد دولتی به‌عنوان متولی امر نشر در کشور بایستی فراتر از ممیزی آثار باشد. بی‌شک تعداد بالای ترجمه نسبت تألیف در کشور تنها نتیجه ممیزی و خودسانسوری نویسندگان ما نیست. خزاعی‌فر و اشرفی (۱۳۹۱) جایگاه مرکزی ترجمه نسبت به تألیف در ادبیات داستانی را نتیجه «بحرانی مداوم» در این حوزه می‌دانند اما دلیل تداوم بحران چیست؟ اگر بخواهیم از دیدگاه گیدنز به این سؤال بنگریم، یک روی سکه بحث ساختاری و سیاست‌های ممیزی ارشاد است که به‌نوعی خلاقیت را از نویسندگان سلب می‌کند؛ اما روی دیگر سکه بحث کنشگران است. ناشران در ایران چاپ و نشر ترجمه را به دلیل فروش بهتر بر نشر ادبیات تألیفی ترجیح می‌دهند. نویسندگان ما عمدتاً به دلیل نداشتن خوراک فکری مناسب نتوانسته‌اند با خلاقیت و جریان‌سازی جایگاه خود را در بازار نشر ادبی ثبات بخشند. البته ارائه خوراک فکری مناسب بار دیگر به عوامل ساختاری باز می‌گردد. سیاست‌گذاری صحیح در نظام آموزش و پرورش کشور (چه در عرصه آشنایی با ادبیات و چه در عرصه ترویج کتابخوانی)، باز کردن فضای فرهنگی اجتماعی و نیز پذیرش هویت مستقل بازار نشر قطعاً باعث رشد و شکوفایی این حوزه خواهد شد.

نکته حائز اهمیت این است که نظام ادبی تنها متشکل از کنشگر و ساختار نیست بلکه عوامل محیطی نیز بر این نظام تأثیر می‌گذارند و متقابلاً از آن تأثیر می‌پذیرند. در

شکل ۸، جوایز ادبی، شبکه توزیع کتاب و نیز مجلات ادبی به عنوان سه عامل مهم ذکر شده‌اند. شبکه توزیع شامل سیاست‌های توزیع کتاب در کتابفروشی‌ها و نیز بازخورد خوانندگان است؛ توزیع و فروش بدون در نظر گرفتن ذائقه مخاطب ممکن نیست.

مجله‌های ادبی هم به‌نوعی به کنش حرفه‌ای و تأثیرگذار پژوهشگران و منتقدان ادبی اشاره دارد که البته در برخی دوره‌ها این جریان رو به رشد بوده و در برخی دیگر به کلی نادیده گرفته شده است. جوایز ادبی یکی دیگر از عوامل مؤثر و مهم در پویایی فضای فرهنگی و ایجاد انگیزه برای فعالان حوزه نشر و مخاطبان به‌شمار می‌روند. این جوایز هم از سوی نهادهای دولتی و هم از سوی مؤسسات خصوصی اعطا می‌شود، اما تحقیقات دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشان می‌دهد به‌رغم اینکه حمایت نهادهای دولتی در اهدای جوایز دولتی باعث رقابت نامتوازن با جوایز بخش خصوصی می‌شود اما همواره جوایز بخش خصوصی از تأثیرگذاری و مقبولیت بیشتری برخوردار بوده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی شبکه نشر رمان در دو سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ که بازه زمانی مد نظر پژوهش حاضر بود، نشان می‌دهد تغییرات به‌وجود آمده بیشتر کمی بوده‌اند و بر کیفیت روابط میان کنشگران مختلف در این حوزه تأثیر چندانی نگذاشته‌اند. بنابراین، ماهیت شبکه نشر در کشور در عین تأثیرپذیری از ساختارهای اجتماعی و سیاسی، به‌لحاظ کیفیت و ماهیت روابط بین کنشگران اصلی روندی ثابت داشته است. بخش بزرگی از تغییرات از نوع کمی و در تعداد آثار، مؤلفان/ مترجمان، ناشران، خوانندگان و... است. بر این اساس گفتمان اصلاحات به‌عنوان یک گفتمان نتوانست در کوتاه‌مدت بر ماهیت شبکه نشر رمان در کشور تأثیر چندانی بگذارد.

نتایج این تحقیق را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. شبکه نشر کشور به‌دلیل عدم استقلال هویت دچار «بحرانی مداوم» است؛

۲. عملکرد ناشران ادبیات داستانی بیش از آنکه محصول کنش آن‌ها باشد نتیجه واکنش‌شان نسبت به شرایط محیطی و ساختاری است؛
۳. سانسور و ممیزی تنها عامل عدم پیشرفت ادبیات داستانی نیست. نبود برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح در نظام آموزش و پرورش و نیز عدم استقلال اقتصادی ناشران نیز از دیگر عوامل مؤثر در این حوزه می‌باشند.
۴. با توجه به آمار به‌دست‌آمده، تغییرات ساختاری بر شبکه نشر رمان تألیفی بیشتر از شبکه نشر رمان ترجمه تأثیر گذاشته است، امری که ناشی از عدم وجود نظم و ثبات در این حوزه است.
- این پژوهش بر آن بود تا بازار نشر ادبی (رمان) را به روشی علمی بررسی کند و نقش گفتمان سیاسی غالب را در عرصه فرهنگی کشور نشان دهد. دو نکته در این تحقیق حائز اهمیت است. نخست اینکه این پژوهش تأثیر کوتاه‌مدت تغییر رویکرد دولتی را نشان می‌دهد؛ چه‌بسا برنامه‌ریزی‌های بلندمدت بتواند تأثیرات بسیار شگرفی در این حوزه داشته باشد. نکته دوم عبارت است از اتخاذ روش علمی برای تحقیق در خصوص شبکه نشر کشور است؛ روشی که برای نخستین بار در این حوزه به‌کار گرفته شده است.

کتابنامه

- اشرفی، ن.، و هاشمی، م. (۱۳۹۸). *نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبی: تحلیل شبکه نشر رمان در ایران*. تهران: مورخان.
- آذرننگ، ع. (۱۳۹۵). *نشر و تمدن*. بخارا، ۱۹ (۱۱۵)، ۳۴-۴۲.
- برکت، ب. (۱۳۸۵). *ادبیات و نظریه نظام چندگانه: نقش اجتماعی نوشتار*. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۸ (۲)، ۸۲-۹۷.
- بلوری، م. (۱۳۹۶). *نقش سیاست‌های حوزه زنان در انتخاب آثار ادبی فمینیستی برای ترجمه به زبان فارسی*. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۰ (۳)، ۲۹-۴۷.
- تجویدی، غ.، و معاذاللهی، پ. (۱۳۹۵). *تأثیر تحولات «میدان» نشر بر «عادت‌واره» مترجمان ادبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۵*. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۹ (۳)، ۸۳-۱۰۵.

جلائی پور، ح.، و محمدی، ج. (۱۳۸۷). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*. تهران: نی.

خرافی، ع.، و اشرفی، ن. (۱۳۹۱). *نگاهی توصیفی به وضعیت ترجمه و تألیف ادبی در نظام چندگانه ادبی ایران در دهه ۸۰ مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۵(۱)، ۱۹-۴۱.

ریتزر، ج. (۱۳۹۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.

کرایب، ا. (۱۳۸۸). *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*. ترجمه عباس مخیر. تهران: آگه.

همیلتون، گ. ج. (۱۳۸۵). *تاریخ نو در جامعه‌شناسی، در تاریخ نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی*. ترجمه هاشم آقاجری. تهران: کویر.

- Ashrafi, N. (2018). The complexity of Iran's literary polysystem: An interdisciplinary study. In K. Marias, & R. Meylaerts (Eds.), *Complexity thinking in translation studies: Methodological considerations* (pp. 216-237). London and New York: Routledge.
- Bernstein, R. (1983). *Beyond objectivism and relativism*. Oxford, England: Blackwell.
- Codde, P. (2003). Polysystem theory revisited: A new comparative introduction. *Poetics Today*, 24(1), 93-151.
- Cohen, I. J. (2000). Theories of action and praxis. In B. S. Turner (Ed.), *The Blackwell companion to social theory* (pp.73-105). Oxford, England: Blackwell.
- Cronin, M. (2006). *Translation and identity*. London: Routledge.
- Ellis, R., & Brown, L. O. (Eds.) (2001). *Translation and nation: Towards a cultural poetics of Englishness*. Clevedon, England: Multilingual Matters.
- Even-Zohar, I. (1978/2000). The position of translated literature within the literary polysystem. In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp. 192-7). London & New York: Routledge.
- Even-Zohar, I. (1990). The position of translated literature within the literary polysystem. *Poetics Today*, 11(1), 45-51.
- Even-Zohar, I. (1997). Factors and dependencies in culture: A revised draft for polysystem culture research. *Canadian Review of Comparative Literature*, 24(1), 15-34.
- Gentzler, E. (1993). *Contemporary translation theories*. London and New York: Routledge.
- Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. Cambridge, England: Polity Press.
- Giddens, A., & Sutton, W. P. (2017). *Essential concepts in sociology* (2nd ed.). Cambridge: Polity Press.
- Gouanvic, J. (1997). Translation and the shape of things to come: The emergence of American science fiction in post-war France. *The Translator*, 3(2), 125-152.

Wolf, M. (2007). Introduction: The emergence of a sociology of translation. In M. Wolf, & A. Fukari (Eds.), *Constructing a sociology of translation* (pp.1-36). Amsterdam, Netherlands: John Benjamins.

